

بازی با حاصل جمع صفر در قفقاز جنوبی

(با تأکید بر جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰)

مه‌ادی فیض‌اللهی^۱

حسین پوراحمدی مبی‌دی^۲

چکیده

بحران قره‌باغ به مدت ده‌ها سال در وضعیت نه جنگ و نه صلح باقی‌مانده بود که با جنگ دوم قره-باغ از حالت «منازعه منجمد» خارج شده و قفقاز جنوبی، بخصوص منطقه قره‌باغ را دچار دگرگونی‌های عمیقی کرد. از آنجایی که این جنگ نه امری تصادفی بلکه ریشه در دل تحولات تاریخی منطقه دارد، پرسش اصلی مقاله این است که سیر تحولات تاریخی قفقاز جنوبی چگونه بر ژئوپلیتیک آن منطقه در جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که وضعیت حاصل جمع جبری صفر اصل حاکم بر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز جنوبی و میراث ماندگار آن بوده است. این مقاله تاریخ پیچیده قفقاز جنوبی را با توجه به ژئوپلیتیک و مؤلفه‌های اقتصادی و فرهنگی آن، ژئواکونومیک و ژئوکالچر، ارزیابی کرده است و پیامدهای آن را برای جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ بررسی نموده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که جنگ دوم قره‌باغ جنگ قومی - سرزمینی بوده و مؤلفه‌های اقتصادی در شکل‌گیری آن نقش اساسی داشته است. همچنین حاصل جمع جبری صفر اصل حاکم و ماندگار در این منطقه است. در این نوشتار از رویکرد پژوهشی قیاسی استفاده شده است که با کاربرد مدل مطالعاتی ژئوپلیتیک در چارچوب مطالعات منطقه‌ای است. تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌های این پژوهش با استفاده از منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی:

حاصل جمع صفر، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک، ژئوکالچر، قره‌باغ، قفقاز جنوبی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴

^۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

جمهوری اسلامی ایران. feizollahi70mahdi@gmail.com

^۲. استاد تمام دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

h-pourahmadi@sbu.ac.ir

مقدمه

قفقاز جنوبی یک کریدور حمل و نقل بسیار مهم و یک پیوند حیاتی بین شرق و غرب است. این منطقه از نظر جغرافیایی، منطقه‌ای مهم ژئوپلیتیکی بین دریای کاسپین (خزر) و دریای سیاه بوده و شامل کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است که می‌توان گفت در مسیر اصلی ترانزیتی تجاری جهان، واقع شده است (Asadov, 2023: 4). قفقاز جنوبی برای بازیگران منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی برای ایفای نقش و اعمال نفوذ از جذابیت‌های منحصر به فردی برخوردار است. اما این منطقه در دل خود بحران‌هایی چون بحران قره‌باغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی را پرورش داده است. تأثیرگذارترین آن‌ها بر قفقاز جنوبی بحران قره‌باغ است که ثمره آخرین تحولات آن، جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ بوده است.

جنوب قفقاز در طول تاریخ همواره برای امپراتوری‌های قدرتمند هم‌جوار حکم حیات خلوت را داشته است. روسیه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یکی از آخرین آن‌ها است که این منطقه را حیات خلوت خود و تحت عنوان «خارج نزدیک» تعریف کرده است. قفقاز جنوبی متأثر از این امپراتوری‌ها مرز دو تمدن اسلامی و مسیحی و همچنین محل زندگی یهودیان بوده است. علاوه بر آن، تحت تأثیر فرهنگ‌های روسی، رومی، عثمانی و مهم‌تر از همه ایرانی قرار گرفته است (کولایی، ۱۳۸۹: ۷۶). از همین رو اورسل اعتقاد دارد «در هیچ سرزمینی از دنیا کسی نمی‌تواند مانند قفقاز با مخلوطی از انواع نژادها، تیره‌ها و قوم‌های انسانی برخورد کند» (اورسل، ۱۳۷۶: ۱۶-۱۷). با فهم دقیق تاریخ تحولات تأثیرگذار بر قفقاز جنوبی می‌توان به مسائل پیچیده معادلات کنونی پاسخ‌های مناسب داد. به عنوان مثال اقوام مختلف چگونه در این منطقه پدیدار شدند؟ مذاهب گوناگون چگونه شکل گرفته و گسترش یافتند؟ منابع و مولفه‌های اقتصادی چگونه بر منطقه تأثیر گذاشته است؟ روند تحولات تاریخی چگونه بر شکل‌گیری جمهوری آذربایجان و ارمنستان منجر شد؟

بنابراین، پرسش اصلی پژوهش پیشرو این است که سیر تحولات تاریخی قفقاز جنوبی چگونه بر ژئوپلیتیک آن منطقه در جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که وضعیت حاصل جمع جبری صفر اصل حاکم بر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز جنوبی و میراث ماندگار آن بوده است. در این نوشتار از رویکرد پژوهشی قیاسی استفاده شده است که با کاربرد مدل مطالعاتی ژئوپلیتیک در چارچوب مطالعات منطقه‌ای انجام می‌شود. همچنین تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی-تحلیلی است. داده‌های این نوشتار با استفاده منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

پیشینه پژوهش: با اینکه در خصوص جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ و بحران آن مطالب زیادی وجود دارد، اما در مورد ریشه‌های تاریخی این بحران و وضعیت تاریخی حاکم بر این منطقه پژوهش‌های اندکی چاپ شده است. پژوهش‌های مهمی که چاپ شده‌اند در جدول زیر معرفی شده است.

جدول ۱: پیشینه پژوهش تحولات تاریخی قفقاز جنوبی با تمرکز بر بحران قره‌باغ ۲۰۲۰

عنوان پژوهش	مؤلف	سال	نتیجه/ توضیح
مناقشه قره‌باغ کوهستانی: دیدگاه‌های تاریخی و سیاسی ^۱	هاکان یاووز و گانتز	۲۰۲۲	کتاب به صورت مجموعه مقالات بوده و جنگ اول و دوم قره‌باغ را از نگاهی تاریخی، بعد از فروپاشی شوروی، بررسی کرده و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را توضیح می‌دهد.
مناقشه قره‌باغ بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان: علل و پیامدها ^۲	هاکان یاووز و گانتز	۲۰۲۲	کتاب به منطقه قفقاز جنوبی بعد از فروپاشی شوروی از جنبه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی مسئله قره‌باغ در رابطه با علل توسعه و وضعیت کنونی جنگ در سال ۲۰۲۰ می‌پردازد.
تأثیر روایت‌های تاریخی بر درگیری‌های قومی در قره‌باغ کوهستانی، آبخازیا و اوستیای جنوبی ^۳	کولایی و خوانساری- فرد	۲۰۲۰	بر نقش اسطوره‌ها، روایت‌های تاریخی و حافظه جمعی در شکل‌گیری هویت قومی و نیز تأثیر این عوامل در تشدید مهم‌ترین درگیری‌های قومی--سرزمینی در قفقاز جنوبی چون قره‌باغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی را مورد بررسی قرار داده‌اند.
مناقشه قره‌باغ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان از منظر تاریخی ^۴	دیاربکرلی اوغلو	۲۰۲۰	بافته‌های مقاله نشان می‌دهد که به دنبال اهمیت یافتن نفت در قفقاز جنوبی مهاجرت ارمنی‌های روسیه به این منطقه باهدف افزایش تعداد ارامنه و مسیحیت شکل گرفته است. همچنین روسیه نقش عمده‌ای در بحران قره‌باغ دارد.
تبارشناسی	علی‌بابایی -	۱۳۹۸	کتاب به پیشینه و ساختارهای سیاسی

¹. The Nagorno-Karabakh Conflict: Historical and Political Perspectives

². The Karabakh Conflict Between Armenia and Azerbaijan: Causes & Consequences

³. The impact of historical narratives on ethnic conflicts in Nagorno-Karabakh, Abkhazia and South Ossetia

⁴. The Nagorno-Karabakh conflict between Azerbaijan and Armenia from the historical perspective

فرمانروایی‌های قفقاز	درمنی	حکومت‌های محلی قفقاز در دوران باستان بخصوص در زمان امپراتوری‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی می‌پردازد. اکثر حکومت‌های محلی در قفقاز را در راستای حکومت‌های مستقر در جغرافیای ایران می‌داند.
استفاده و سوءاستفاده از تاریخ: نسل‌کشی و ایجاد مناقشه قره‌باغ ^۱	چتریان	۲۰۱۸ در زمان عثمانی توسط ترکیه نادیده گرفته شده است و بحران قره‌باغ بیرون آمده از این تاریکی‌ها است.

با بررسی پیشینه پژوهش می‌توان گفت با آنکه هر کدام از پژوهش‌های مورد اشاره، منطقه را از چشم‌انداز چارچوب نظری مختلف و بیشتر در تحولات بعد از فروپاشی شوروی بررسی کرده‌اند، اما هیچ‌کدام بر تأثیر ماندگار تحولات تاریخی بر ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی و قاعده بازی حاکم بر آن منطقه، بخصوص جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ نپرداخته‌اند؛ بنابراین با در نظر گرفتن این خلأ، در این پژوهش به‌طور مشخص به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهیم که سیر تحولات تاریخی قفقاز جنوبی چگونه بر ژئوپلیتیک آن منطقه در جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ تأثیر گذاشته است؟

ژئوپلیتیک

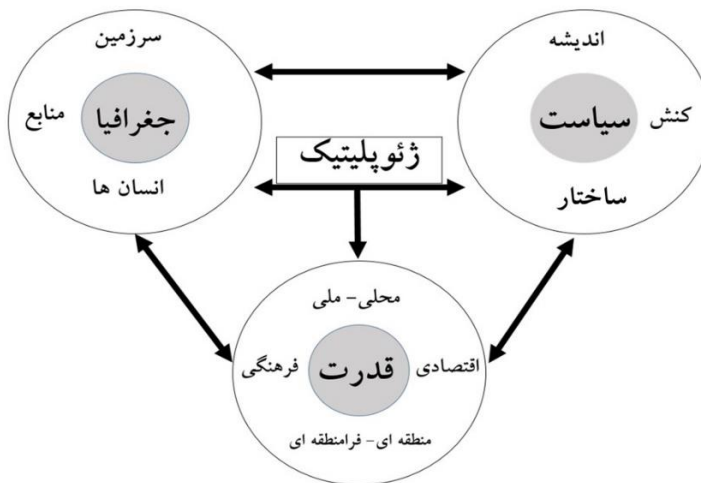
ژئوپلیتیک به چگونه تأثیر گذاشتن عوامل جغرافیایی از جمله قلمرو، جمعیت، موقعیت استراتژیک و منابع طبیعی بر روابط بین دولت‌ها و مبارزه برای تسلط بر جهان می‌پردازد (Foster, 2006: 1-5). حافظ‌نیا ژئوپلیتیک را مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست می‌داند که جغرافیا شامل فضا، محیط و مردم، سیاست شامل ایدئولوژی و اندیشه سیاسی، ساختار و کنش سیاسی و قدرت شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی است که توسط بازیگران سیاسی در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۴۹ و ۱۷۸). منطق ژئوپلیتیک به‌طور عمده منطق مجموع صفر است (مختاری‌هشی، ۱۳۹۷: ۶۷). این منطق زمانی پدید می‌آید که در آن همه منابع و دارایی‌های مهم در عرضه محدود هستند (Chinoy et al., 2023: 1-3).

ژئواکونومی و ژئوکالچر به ترتیب به‌عنوان ابعاد اقتصادی و فرهنگی ژئوپلیتیک در نظر گرفته می‌شوند. گروس، ژئواکونومیک را ادغام اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیکی می‌داند

¹. The uses and abuses of history: Genocide and the making of the Karabakh conflict

(Scholvin and Wigell, 2018: 74). ژئواکونومی از ترکیب عناصر سه گانه جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است. عنصر اقتصاد در ژئواکونومی جایگزین عنصر سیاست در ژئوپلیتیک می شود؛ بنابراین استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی و تأثیر اقدامات اقتصادی سایر کشورها بر اهداف ژئوپلیتیکی یک کشور، ژئواکونومیک نام دارد (Blackwill and Harris, 2016: 20). در ژئواکونومیک عواملی مانند انرژی، امنیت مسیرهای انتقال انرژی، ترانزیت، کریدورهای منطقه ای و فرامنطقه ای و تجارت اهمیت دارند (اصولی و نواختی مقدم، ۱۴۰۰: ۳۳۷). واژه ژئوکالچر از دو کلمه ژئو به معنای جغرافیا و کالچر به معنای فرهنگ تشکیل شده است که به تأثیر متقابل این دو کلمه بر همدیگر اشاره دارد. قاسمی، ژئوکالچر را «برآمده از پویا و دینامیک هویت در سیستم بین الملل» تعریف می کند (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۹۴). فرهنگ جغرافیایی به مجموعه ای از ویژگی ها در میان گروهی از مردم اطلاق می شود، مانند آداب و رسوم، باورها، زبان و رفتارهایی که در طول زمان تحت تأثیر جغرافیا قرار گرفته اند و یا بر آن تأثیر گذاشته اند (Shokoohi and hajiabadi, 2019: 153-154).

شکل ۱: مدل ژئوپلیتیک و ابعاد اقتصادی و فرهنگی آن



منبع: نگارندگان، با اقتباس از مدل ژئوپلیتیک حافظنیا (حافظنیا، ۱۳۹۶: ۴۹)

برای ارائه تصویری روشن از تأثیر تحولات تاریخی بر جنگ دوم قره باغ، تأثیرات امپراتوری-های باستان، اسلام، مسیحیت و حکومت سلجوقیان، همچنین امپراتوری صفویان، عثمانی ها و تزارهای روس و در آخر جنگ ایران و روس تا تأثیرات فروپاشی شوروی بر آن مورد بررسی قرار گرفته و تأثیر این تحولات بر جنگ دوم قره باغ بر اساس درگیری سرزمینی، قومی با

مؤلفه‌های اقتصادی، اندیشه سیاسی رهبران جمهوری آذربایجان و ارمنستان در کنار نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارزیابی می‌شود.

۱. تحولات تاریخی - ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی

امپراتوری‌های باستانی در قفقاز جنوبی. حکومت‌های محلی و امپراتوری‌های همسایه همیشه به دنبال حضور و یا نفوذ در قفقاز جنوبی بوده‌اند. یکی از اولین حکومت‌ها در قفقاز جنوبی اورارتوها بودند؛ پادشاهی اورارتو در قرن نهم قبل از میلاد از اتحاد چندین طایفه محلی تأسیس شد و از نظر جغرافیایی در مناطق کوهستانی و در حوالی کشور جمهوری آذربایجان کنونی، جنوب شرقی دریاچه وان و ارتفاعات ارمنستان واقع بوده است (Chahin, 2001: 43). این پادشاهی که ساختار ملوک‌الطوایفی داشته است سرانجام به دنبال جنگ‌هایی که با مادها و دولت آشوری داشت، به همراه ماننا تبدیل به مناطقی تحت سلطه حکومت ماد شدند. در این دوران آرامنه که از آسیای صغیر به سرزمین اورارتوها مهاجرت کرده بودند بعد از آمیختن با آن‌ها جایگزین اورارتوها در منطقه شدند و از آن تاریخ به بعد سرزمین اورارتو به نام ارمنستان خوانده شد (صدری و صمدی‌وند، ۱۳۹۹: ۳-۵). در دوره حکومت هخامنشیان، جنوب قفقاز نه با دولت قدرتمند محلی بلکه با شاهنشین‌های کوچک (ساتراپی) با وابستگی سیاسی به هخامنشیان همراه شد. از آلبانیای قفقاز به‌عنوان یکی از ساتراپی‌های هخامنشیان یاد شده است (Briant, 2010:395).

جنوب قفقاز تحت تأثیر منازعه بین امپراتوری اشکانی و امپراتوری روم بوده است (ملکی، طلایی و سلیمان زاده، ۱۴۰۰: ۱۲۱). در زمان اشکانیان و سپس ساسانیان، جاده ابریشم به‌عنوان مهم‌ترین و قدیمی‌ترین شاهراه بازرگانی جهان، چین را به ایران و سرانجام روم پیوند می‌داد. جاده ابریشم در ایران به سه شاخه شمالی، جنوبی و مرکزی تقسیم می‌شد که شاخه شمالی آن از منطقه قفقاز جنوبی عبور می‌کرد. جاده ابریشم موقعیت ژئوپلیتیک مضاعفی به ایران و جنوب قفقاز داده بود و ایران اشکانی و ساسانی را تبدیل به «شاهرگ بازرگانی» آن زمان کرده بود (رئیس‌نژاد، ۱۴۰۰). عمده جنگ‌های اشکانی و سپس ساسانی با امپراتوری روم و بیزانس از تلاش برای کنترل جاده ابریشم و راه‌های بازرگانی برخاسته بود (سنگاری و اسدی، ۱۴۰۱: ۱۸). در کنار آن، در اوایل حکومت ساسانیان، ارمنستان اولین حکومتی بود که رسماً مسیحیت را پذیرفت؛ بنابراین مناسک زرتشتی و مهرپرستی در این

منطقه از رونق افتاد و یا کم‌رنگ شد. دونقطه مهم تجاری و اقتصادی در درگیری بین طرفین، «ارمنستان» و «گرجستان» بود (یگانه، کامرانی‌فر، قلیزاده، ۱۴۰۰: ۳۵۵).

ورود اسلام و تحکیم ترکان در قفقاز جنوبی

در قرن هفتم پس از میلاد، ارتش مسلمان عرب گسترش خود را به سمت قفقاز جنوبی آغاز کرد که منجر به الحاق این منطقه به خلافت اسلامی شد (کلان‌فریبایی و امیراحمدیان، ۱۳۹۸: ۲۲۶). با سقوط خاندان اموی و برپایی خلافت بنی‌عباس، حکومت‌های محلی در آران، ارمنستان و شیروان که تحت‌الحمایه‌ی دستگاه خلافت بودند در قفقاز جنوبی قدرت را در دست گرفتند. به دنبال آن در قرن‌های نهم و دهم میلادی چندین دولت فتودالی در قفقاز جنوبی ایجاد شد. «در شیروان، مزیدی‌ها، سالاری‌ها، روادی‌ها و شدادی‌ها؛ در ارمنستان باگراتیدی‌ها و در گرجستان تائو - کلارجتی‌ها حکومت می‌کردند» (آزاد، ۱۳۹۲: ۵۱). در شرایطی که حکومت بنی‌عباس در جنوب قفقاز متزلزل شده و امپراتوری بیزانس نیز سیاست تهاجمی در قبال مسلمانان اتخاذ کرده بود، سلجوقیان وارد جغرافیای ایران شده و از مسیر جمهوری آذربایجان، قفقاز و آناتولی را به‌عنوان یکی از مقاصد اصلی خود برگزیدند (صدقی، ۱۳۹۱: ۸۰-۸۱ و ۹۱).

قبل از آن که دو امپراتوری بیزانس و حکومت نوپای سلجوقی در جنوب قفقاز به‌طور مستقیم درگیر شوند، حاکمان محلی گرجستان و ارمنستان که تابع بیزانس شده بودند در تقابل با قبایل ترکمن سلجوقی قرار گرفتند. ورود قبایل ترکمن به قفقاز و سپس به آناتولی در دو بازه زمانی قبل و بعد از نبرد ملازگرد صورت گرفت. در دوره اول ترکمن‌ها برای جهاد و اهداف اقتصادی چون به‌دست‌آوردن غنائم و تأمین مراتع وارد درگیری می‌شدند و بعد به منطقه اولیه خود، جمهوری آذربایجان، بازمی‌گشتند. اما پس از جنگ ملازگرد برای فتح آناتولی و عقب راندن روم شرقی وارد عمل شدند (قره‌قشلاقی و امامی‌خویی، ۱۳۹۱: ۱۵۹). با روی کار آمدن آلپ ارسلان، حاکم‌نشین‌های ارمنی و گرجی از زیر نظر بیزانس خارج شده و به تصرف سلجوقیان درآمدند. سلجوقیان در این مناطق وضعیت سیاسی - اداری خود را برقرار کردند به‌طوری‌که از حکام محلی ارمنی و گرجی زیر نظر دولت سلجوقی با مرکزیت جمهوری آذربایجان استفاده شد (صدقی، ۱۳۹۱: ۸۸ - ۱۰۱). در ادامه این تحولات و با زوال حکومت تیموریان، "قراقویونلو"ها با مذهب شیعه و "آق‌قویونلو"ها با مذهب سنی به ترتیب به قدرت رسیده و منطقه قفقاز جنوبی را زیر سلطه خود درآوردند. بدین‌صورت اسلام در جنوب قفقاز نهادینه شد (منتظرالقائم و شاهمرادی، ۱۳۹۲: ۵۰-۵۱).

قفقاز جنوبی در میان سه امپراتوری. امپراتوری عثمانی به دنبال سقوط امپراتوری سلجوقیان روم به قدرت رسید، این امپراتوری سنی‌مذهب و حامی مسلمانان سنی در قفقاز بود. در جغرافیای ایران با استقرار حکومت مسلمان شیعی صفویه، شاه اسماعیل به دنبال انتقام قاتلان اجداد خود یعنی جنید و حیدر که در حمله به قفقاز و عمدتاً شیروان در راستای انگیزه‌های مذهبی و اقتصادی کشته شده بودند و همچنین تسلط بر ارمنستان و سایر نواحی قفقاز برآمد (ثواقب و لعبت‌فرد، ۱۳۹۶: ۲۵۴). امیرنشینان مسکو نیز که برای استقلال از اردوی زرین مغولان به تکاپو افتاده بودند به‌مرور به یک امپراتوری تحت عنوان امپراتوری تزاری و حامی مسیحیان تبدیل شد (کجباف، دهقان‌نژاد و چراغی، ۱۳۹۷: ۳).

صفویان و عثمانی‌ها در قرن‌های شانزدهم و هفدهم میلادی بر سر نفوذ و حضور در منطقه قفقاز درگیر شدند. هدف کلی هر یک از این امپراتوری‌ها تحت سلطه قرار دادن قفقاز و از بین بردن قدرت رقیب در این منطقه بود. جنگ این دو بر سر ارمنستان با پیمان صلحی منجر به تقسیم این منطقه به دو بخش غربی در اختیار عثمانی و بخش شرقی در تصرف صفویان شد. در زمانی که صفویان بر قفقاز تسلط داشتند حکام محلی را کنار گذاشتند و با استفاده از سیستم بیگلربیگی در این منطقه بخصوص آران و شیروان (شامل ایروان) و یک والی‌نشین در گرجستان حکم راندند که باعث یکپارچگی بیشتر این منطقه با ایران شد (ثواقب، لعبت‌فرد و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۰۵).

در قرن شانزدهم میلادی روس‌ها توانستند بر قفقاز شمالی نفوذ کنند. حضور پراکنده ارامنه مسیحی در قفقاز برای روس‌ها نویدبخش بود و ارامنه هم با اندیشه احیای ارمنستان بزرگ به پتر کبیر با چشم منجی نگاه می‌کردند. ارامنه مسیحیانی بودند که برخلاف گرجی‌ها از هویت و سرزمینی یکپارچه برخوردار نبودند؛ اما باتوجه‌به قرابت فرهنگی با روسیه می‌توانستند به‌عنوان ابزاری در برابر عثمانی و ایران استفاده شوند (مرشدلو، ۱۳۹۴: ۴ و ۱۷ و ۱۹). با زوال تدریجی و در نهایت با سقوط امپراتوری صفوی، بخش عمده قفقاز زیر سلطه امپراتوری عثمانی قرار گرفت و قسمت‌هایی از داغستان و شیروان هم به تصرف روسیه درآمد (ثواقب و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۱). مرگ نادرشاه افشار، پیشروی روسیه تزاری در قفقاز و بی‌توجهی خاندان زندیه به حاکمیت ایران در این منطقه، منجر به قرارداد گیورگیوسک^۱ بین روسیه تزاری و گرجستان شد که برطبق آن گرجستان تحت‌الحمایه روسیه شده و

^۱. Treaty of Georgievsk

افزایش نفوذ روسیه تزاری در منطقه منجر به کاهش نفوذ عثمانی و ایران (زندیه) در قفقاز شد (آهنگران، ۱۳۸۹: ۳۴ - ۴۶).

رقابت قاجار و روس . پیشروی روسیه تزاری در جنوب قفقاز با ترور آغامحمدخان قاجار در دومین لشکرکشی به قفقاز آغاز شد و با روی کار آمدن فتحعلی شاه قاجار منجر به جنگ‌های ایران و روس شد. روسیه تزاری از دیدگاه منطقه‌ای به دنبال تسلط بر قفقاز به‌خاطر موقعیت ژئوپلیتیک و منابع آن یعنی حاصلخیز بودن و اهمیت تجاری قفقاز و همچنین دستیابی به دریای کاسپین را در سر داشت و از دید فرمانطقه‌ای بنابر وصیت منتسب به پترکبیر، خواهان عبور از قفقاز و سپس ایران و رسیدن به آب‌های گرم و هندوستان بود (آقازاده، ۱۳۹۷: ۴). بنابراین سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه را می‌توان مهم‌ترین عامل جنگ‌های ایران و روس در نظر گرفت (وزینی و موسوی، ۱۴۰۱: ۸۶).

در بازه زمانی ۲۵ ساله دو جنگ بین ایران قاجار و روسیه تزاری به وقوع پیوست که نتیجه آن انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمنچای بود که هر دو شاهی بر شکست ایران از رقیب روسی خود و ازدست‌رفتن مناطق مهمی بود که آغامحمدخان قاجار بعد از کوتاهی‌های حکومت زندیه باز پس گرفته بود. با پذیرفتن تحت‌الحمایگی گرگین خان، حاکم گرجستان، به روسیه و پیشروی روس‌ها در قفقاز، فتحعلی شاه از یک‌طرف عباس میرزا را برای مقابله با روس‌ها به قفقاز فرستاد و از طرفی دیگر فتحعلی شاه بدون اطلاع از روابط و معادلات بین‌المللی در صدد کمک‌گرفتن از فرانسه و انگلیس برای مقابله با روسیه تزاری برآمد که هر دو بی‌نتیجه ماند. جنگ اول که این‌گونه در پی فرمان حمله فتحعلی شاه به گرجستان آغاز شده و ده سال طول کشیده بود (علیزاده، عباسی‌عزیزلو و طرفداری، ۱۴۰۰: ۵۳۹) با وساطت انگلیسی‌ها به انعقاد متارکه گلستان ختم شد که بر طبق آن باید مناطق گرجستان، داغستان، قره‌باغ، گنجه، شکی، شیروان، قبا و باکو از حاکمیت ایران جدا شده و در اختیار روس‌ها قرار گیرد (Okhrimenko, 2023: 22).

دلایل واردشدن ایران به دور دوم از جنگ را سیاسی و اجتماعی دانسته‌اند. جنگ ابتدا با پیروزی‌های قاجار همراه شد به‌طوری‌که تمام مناطقی که بر اساس متارکه گلستان، روسیه متصرف شده بود را باز پس گرفتند. اما در ادامه، این جنگ شکست قاجار را در پی داشت که باعث شد روس‌ها تا تبریز پیشروی کنند (قاضیها، ۱۴۰۰: ۱۰۶-۱۰۹). انگلیس از این پیشروی احساس خطر کرده به عباس میرزا پیشنهاد مصالحه با روس‌ها را داد که مورد استقبال عباس میرزا قرار گرفت؛ بنابراین عهدنامه ترکمنچای (در سال ۱۸۲۸م) به امضا

رسید و بر اساس آن هرچند روس‌ها منطقه آذربایجان (پایین‌رود ارس) را ترک کردند اما منطقه دچار تغییرات مهم ژئوپلیتیکی شد؛ به گونه‌ای که بخش مهمی از جغرافیای ایران (قفقاز) برای همیشه جدا شده و در تسلط روسیه تزاری قرار گرفت. این جنگ‌ها تحت‌تأثیر موازنه قوا در اروپا قرار گرفته بود، انگلیس در جنگ‌های ایران و روس نقش فعالی داشت، در مقابل فرانسه از روسیه حمایت می‌کرد به قفقاز و ایران حمله کند و زمانی که روسیه را در برابر منافع خود در هند خطرناک می‌یافت از ایران حمایت و یا به دنبال صلح ایران و روس برمی‌آمد (آقامحمدی، دولت‌آبادی و آبیاری، ۱۴۰۰: ۹-۱۴).

تغییراتی که در جنوب قفقاز با پیروزی روسیه تزاری در جنگ ایجاد شد این گونه بود؛ از یک طرف بر اساس قرارداد ترکمنچای جغرافیای قفقاز جنوبی از ایران جدا شد، از طرف دیگر روسیه تزاری اسکان دسته‌جمعی ارامنه از ایران و ترکیه به قفقاز جنوبی را باهدف ایجاد «منطقه حائل مسیحی» در امتداد مرزهای روسیه با جهان اسلام تشویق کرد. گسترش روسیه ارتدوکس مسیحی در منطقه با مهاجرت قابل توجه قفقازیان شیعه به ایران و سنی‌های قفقازی به امپراتوری عثمانی همراه بود (Yemelianova, 2023: 5).

۲. جنگ‌های اول و دوم قره‌باغ

جنگ جهانی اول اثرات مهمی بر منطقه قفقاز جنوبی داشت. از یک طرف ارامنه مدعی شدند که مجامع بین‌المللی درگیر این جنگ شدند و دولتمردان عثمانی از این فرصت برای تصفیه کلی ارامنه در قلمرو عثمانی استفاده کردند که این امر موجب شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و ایجاد تضاد بین ارامنه و ترک‌ها شد (Cheterian, 2018: 887-888). از طرف دیگر روسیه تزاری با انقلاب ۱۹۱۷ فروپاشید و منطقه قفقاز جنوبی شاهد خونریزی‌های گسترده‌ای شد. به‌عنوان مثال داشناک در پی هرج و مرج حاصل از این انقلاب، ساکنان آذری روستاهای ایروان را مورد قتل عام قرار دادند (داشناک بعدها در سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۲۱ نیز دست به قتل عام آذری‌ها زدند). در ادامه جمهوری‌های ارمنستان، گرجستان و جمهوری آذربایجان در قفقاز جنوبی شکل گرفتند؛ بنابراین با اختلافات مرزی و جغرافیایی بین ترکیه عثمانی و ارامنه درگیری‌هایی بر سر مناطقی چون نخجوان شکل گرفت، همچنین مسئله وضعیت اداره منطقه قره‌باغ نیز از موارد مهم مرزی و سرزمینی بود (پناهی و کریمی، ۱۴۰۱: ۵۷-۵۸).

به‌زودی این جمهوری‌ها تحت‌نظر بلشویک‌ها تبدیل به جمهوری‌های سوسیالیستی شوروی شدند و آذربایجان سوسیالیستی با بذل و بخشش، زنگزور و نخجوان را در اختیار

رفقای سوسیالیستی ارمنی خود قرار دادند و برای ساکنان قره‌باغ حق تعیین سرنوشت قائل شدند و طرف ارمنی با صدور بیانیه‌ای قره‌باغ را بخشی از خاک ارمنستان اعلام کرد (پناهی و کریمی، ۱۴۰۱: ۶۵). اما وضعیت این چنین باقی نماند چرا که استالین به‌عنوان رهبر بلشویک برای ایجاد روابط دوستانه با ترکیه کمالیست متقاعد شد که نخجوان و قره‌باغ را در اختیار آذربایجان سوسیالیستی قرار دهد و این امر در پیمان قارص به امضا رسید و مورد توافق کشورهای شوروی، ترکیه، آذربایجان و ارمنستان قرار گرفت. در پیمان قارص که ایران درگیر مسائل داخلی بود و حضور نداشت، آخرین تحولات جغرافیایی قفقاز جنوبی رقم زده شد که تا زمان فروپاشی شوروی پابرجا ماند (Yavuz and Gunter, 2022: 39).

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در قفقاز جنوبی هرچند سایه روسیه بر آن‌ها کماکان سنگینی کرد اما این کشورها از آزادی عمل برخوردار شدند. از این‌پس به دنبال خلأ قدرت ایجاد شده، قفقاز جنوبی وارد مناقشه‌ای درون منطقه‌ای شد. جنگ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان که به جنگ اول قره‌باغ معروف است تا سال ۱۹۹۴ ادامه داشت. در این جنگ، ارمنستان با وجود داشتن یک‌سوم جمعیت جمهوری آذربایجان، کمبود منابع طبیعی و موقعیت ژئوپلیتیکی کلیدی، در جنگ پیروز شد (Yavuz and Gunter, 2022: 39).

نتیجه جنگ این‌گونه بود که ارامنه با اشغال منطقه قره‌باغ که شامل ۲۰ درصد از اراضی کل جمهوری آذربایجان می‌شد، یکپارچگی ارضی جمهوری آذربایجان را نقض کردند و موجب شکل‌گیری جمهوری خودخوانده قره‌باغ (آرتساخ) شدند. از طرفی این جنگ به روابط دیپلماتیک جمهوری آذربایجان و ترکیه با ارمنستان پایان داد و ایروان مورد تحریم آنکارا قرار گرفت. مهم‌تر از همه نقش‌آفرینی بازیگرانی چون روسیه، ترکیه و ایران و بازیگران فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده آمریکا، فرانسه، سازمان امنیت و همکاری اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد در روند تحولات قره‌باغ موجب شد این بحران علاوه بر ابعاد منطقه‌ای، ابعاد بین‌المللی نیز به خود بگیرد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۳: ۱۲۰-۱۲۱).

در این بین روسیه از مناقشه قره‌باغ به‌عنوان ابزاری برای حفظ حضور سیاسی خود در منطقه استفاده کرد به‌نحوی که با استقبال از وضعیت «نه جنگ و نه صلح» سعی کرد دو جمهوری را از تمایل به غرب دور نگاه دارد. سرانجام جمهوری‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان و همچنین قره‌باغ کوهستانی و نمایندگی روسیه در گروه مینسک^۱ سازمان امنیت و

^۱. OSCE Minsk Group

همکاری اروپا، «پروتکل بیشکک»^۱ را در اوایل ۱۹۹۴ امضا کردند که آتش‌بس ایجاد کرد (Jović-Lazić, 2021: 216).

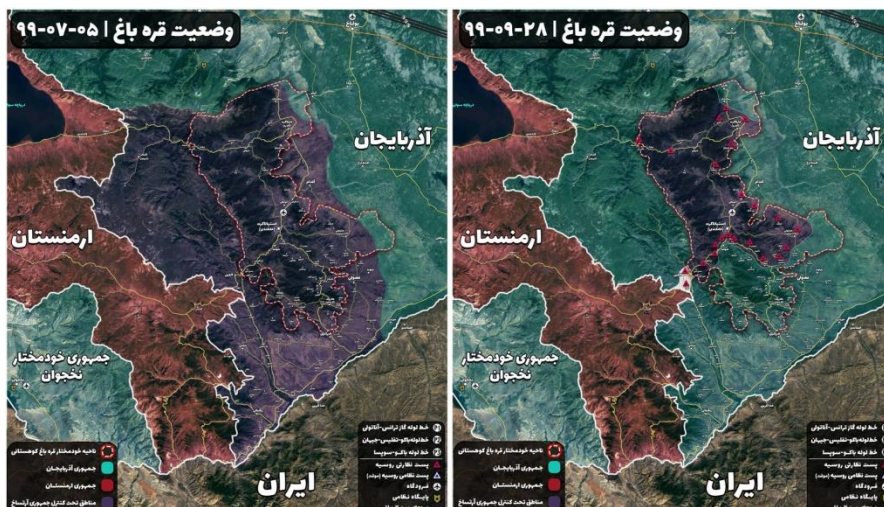
جنگ دوم قره‌باغ ۲۰۲۰

جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان برآمده از دل وقایع روی‌هم‌انباشته پیشین بود که نزدیک‌ترین آن فروپاشی شوروی و جنگ اول قره‌باغ است. طی جنگی که ۴۴ روز به طول انجامید، جمهوری آذربایجان توانست حاکمیت خود را بر بخش بزرگی از سرزمین‌های خود بازگرداند که برای نزدیک به ۳۰ سال، توسط ارمنستان اشغال شده بود (Yemelianova, 2023: 21).

اختلافات سرزمینی. جابه‌جایی جغرافیایی و سرزمینی بین قدرت‌های مسلط همسایه قفقاز یکی از اصلی‌ترین میراث تاریخی به‌جامانده این منطقه ژئوپلیتیک است. اختلافات سرزمینی بازیگران درون منطقه قفقاز جنوبی، بین جمهوری‌های تازه مستقل شده، از زمان فروپاشی شوروی ایجاد شد. جمهوری آذربایجان بعد از جنگ اول قره‌باغ اراضی خود را از دست داد و در موقعیت ضعیف‌تری نسبت به رقیب ارمنی قرار گرفت. از این‌رو جمهوری آذربایجان همواره خواستار تغییر وضع موجود بود (askerov and ibadoghlu, 2022: 250). جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ باعث برعکس شدن جایگاه بازیگران پیروز و شکست‌خورده شد. زیرا جمهوری آذربایجان تقریباً یک‌سوم قره‌باغ کوهستانی تحت اشغال ارمنستان و هفت قلمرو مجاور آن که از سال ۱۹۹۴ در اختیار ارمنستان بود را باز پس گرفت (Schumacher and Günay, 2021: 137). تغییرات ژئوپلیتیک حاصل از جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ مرزهای جمهوری آذربایجان را با ایران افزایش داده و به همان نسبت مرزهای ارمنستان و ایران کاهش پیدا کرد (شکل ۲).

¹. Bishkek Protocol

شکل ۲: وضعیت قره‌باغ و تغییرات مرزی ایران با همسایگان شمالی، قبل و بعد از جنگ دوم قره‌باغ



منبع: تحولات جهان اسلام (۱۳۹۹، آذر ۲۸)، آخرین اخبار از وضعیت قره‌باغ، iswnnews.com، آخرین اخبار از وضعیت قره‌باغ، ۲۸ آذر ۹۹ + نقشه میدانی - تحولات جهان اسلام (iswnnews.com).

درگیری‌های قومی - سرزمینی. قومیت، زبان و مذاهب از مؤلفه‌های فرهنگی
ژئوپلیتیک هستند که ژئوکالچر نامیده می‌شوند. فرهنگ‌های ارمنی و جمهوری آذربایجان به گذشته گرایش دارند، برای آرامنه پیروی از سنت مهم بوده و فرهنگ آذری‌ها را نیز مبتنی بر سنت دانسته‌اند. ادبیات و داستان‌های این دو قوم بر اساس تجربه هم‌زیستی که داشته‌اند بی‌اعتمادی، نفرت، خشونت و کینه‌های تاریخی را نسبت به هم نشان می‌دهد (Okhrimenko, 2023: 23). منطقه قره‌باغ عمدتاً بر اساس دلایل تاریخی مورد مناقشه آذری‌ها و ارمنی‌ها است. هر دو قوم ادعای تاریخی مالکیت قره‌باغ را داشته و طرف دیگر را محکوم می‌کنند. پیچیدگی‌های تاریخی مورد مناقشه منطقه قره‌باغ را می‌توان در نام آن مشاهده کرد. قره‌باغ در واقع تلفیقی از کلمات ترکی و فارسی است. «قره» یا «کارا» در ترکی به معنای سیاه است و «باغ» در ترکی به معنای تاک همچنین در فارسی به معنای باغ است. در زبان روسی کلمه «ناگورنو»^۱ به معنای کوهستانی است؛ بنابراین به نام منطقه، سه زبان مختلف را می‌توان یافت، در واقع زبان‌های سه قدرتی که بر تاریخ منطقه تسلط داشته‌اند. این منطقه در ارمنی آرتساخ نامیده شده است (Cornell, 1999: 3). آرامنه که در

^۱. Nagorno

جنوب قفقاز نسبت به آذری‌ها در اقلیت بودند، به دنبال سیاست‌های تزارهای روس و روسیه شوروی در این منطقه افزایش یافتند (Shafiyev, 2019: 18). در حال حاضر آذری‌ها و ارمنی‌ها نسبت به سایر اقوام و زبان‌های محلی به ترتیب در کشورهای جمهوری آذربایجان و ارمنستان در اکثریت قرار دارند. اقوام دیگری که در این منطقه حضور دارند می‌توان از لزگی‌ها، روس، تالش و کردهای ایزدی نام برد که در اقلیت هستند (جدول ۲).

جدول ۲: درصد پراکندگی اقوام، مذاهب و زبان‌ها در جمهوری‌های جمهوری آذربایجان و ارمنستان

جمعیت	قومیت	مذهب	زبان
جمهوری آذربایجان ۱۰.۴۲۰.۵۱۵	۹۱.۶٪ آذری		۹۲.۵٪
	۲٪ لزگی	۹۳.۴٪ مسلمان (با)	جمهوری
	۱.۳٪ روس	اکثریت شیعه و اقلیت	آذربایجانی
	۱.۳٪ ارمنی	(سنی)	۲.۴٪ روسی
	۱.۳٪ تالش	۴.۸٪ مسیحیت	۲.۳٪ لزگی
	۲.۴٪ دیگر	۰.۳٪ یهودیت	۱.۴٪ ارمنی
	اقوام	۱.۵٪ دیگر مذاهب	۱.۴٪ دیگر زبان‌ها
جمهوری ارمنستان ۲.۹۸۹.۰۹۱	۹۸.۱٪		۹۳.۴٪ ارمنی
	ارمنی	۹۳.۶٪ مسیحیت	۲.۶٪ آذری
	۱.۲٪ کرد	۱.۲٪ ایزدی	۲٪ روسی
	ایزدی	۱.۱٪ غیرمذهبی	۱٪ کردی
	۰.۷٪ دیگر	۴.۱٪ دیگر مذاهب	۱٪ دیگر
	اقوام		زبان‌ها

Source: The World Factbook, (2023, agusut 29), Central Intelligence Agency(CIA), Retrieved September 5, 2023, www.cia.gov/the-world-factbook/countries

این دو قوم سابقه طولانی درگیری‌های سرزمینی مبتنی بر قومیت دارند. منطقه قره‌باغ کوهستانی واقع در مرزهای جنوب غربی جمهوری آذربایجان، مرکز درگیری قومی ارمنی و آذری است (Najafizadeh, 2013: 162). در جغرافیای جنوب قفقاز، حافظه تاریخی آذری‌ها و ارامنه از جمله عوامل مهم تحولات منجر به جنگ دوم قره‌باغ بود؛ بنابراین جنگ دوم قره-

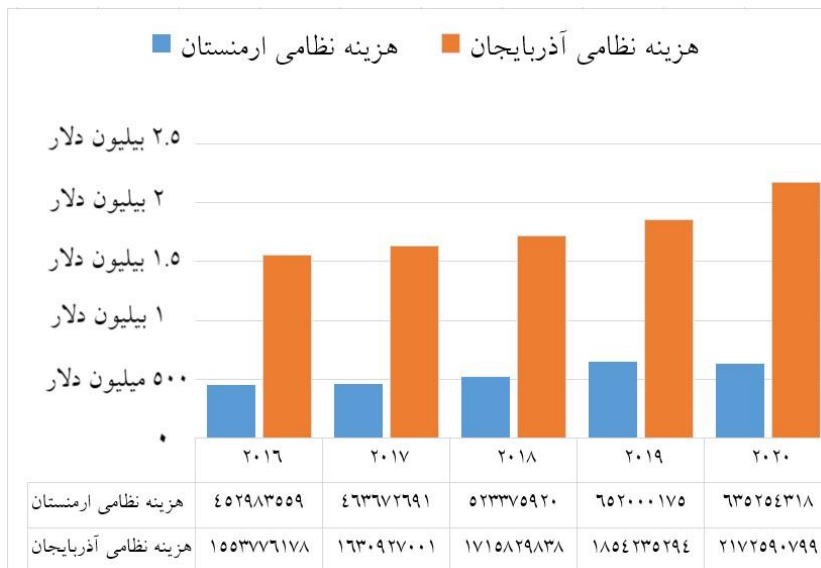
باغ را می‌توان جنگ قومی - سرزمینی دانست. آذری‌های جمهوری آذربایجان برای چندین دهه بار عاطفی و روانی شکست در جنگ اول قره‌باغ و درگیری‌های قبل از آن با ارامنه را به دوش کشیده بودند. چراکه در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۳ منطقه قره‌باغ کوهستانی و سپس هفت منطقه اطراف آن را یکی پس از دیگری از دست دادند و تقریباً یک‌هشتم جمعیت جمهوری آذربایجان به آوارگان داخلی تبدیل شدند. مردم جمهوری آذربایجان به دلیل شکست از ارامنه‌ای که با آن‌ها خصومت تاریخی داشتند دچار ضربه روحی و سختی‌های مادی و معنوی شدند. از این‌رو آذربایجانی‌ها به‌ویژه جوانان خواستار تغییر این وضعیت بودند درحالی‌که ارمنی‌ها خواهان حفظ وضع موجود بودند (Askerov and Ibadoglu, 2022: 251).

حافظه تاریخی آذری‌ها یادآور می‌شد که باید از نظر اقتصادی و نظامی پیشرفت کنند و برای جنگ در آینده و بازپس‌گیری سرزمین از دست‌رفته آماده باشند. در طرف مقابل این دیدگاه در بین ارامنه شکل گرفته بود که با توجه به روند شکست جمهوری آذربایجان در جنگ اول قره‌باغ، در صورت ازسرگیری مجدد درگیری، پیروز نبرد ارمنستان خواهد بود. از همین رو ارامنه، آذری‌ها را ناتوان در جنگ و خود را دارای روحیه خاص نظامی و شکست‌ناپذیر می‌انگاشتند (Ibrahimov and Oztarsu, 2022: 14).

عوامل ژئواکونومیک. زمانی که ایالات متحده آمریکا در تلاش برای کشف نفت در قلمرو خود بود، از لامپ‌های نفتی در باکو استفاده می‌شد (Khan, 2020: 1). جمهوری آذربایجان با توجه به منابع غنی نفتی خود بعد از آتش‌بس جنگ اول قره‌باغ همواره در حال توسعه توان اقتصادی و سپس نظامی خود برآمد؛ ولی ارمنستان که از اقتصاد مناسبی برخوردار نبود امیدوار بود که وضعیت موجود به لطف مواضع بازیگران منطقه‌ای حفظ خواهد شد. از این‌رو ارمنستان پیشرفت‌های اقتصادی و به دنبال آن نظامی جمهوری آذربایجان را مهم ارزیابی نمی‌کرد (Ibrahimov and Oztarsu, 2022: 14). با افزایش قابل‌توجه درآمدهای نفت و گاز دریای کاسپین، جمهوری آذربایجان ترجیح داد تخصیص بودجه برای نوسازی تسلیحات و تجهیزات نظامی را افزایش دهد. بودجه نظامی جمهوری آذربایجان از زمان شروع خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیهان در سال ۲۰۰۶ در حال افزایش بود، اما ارمنستان به تدریج در این رقابت عقب افتاد. جمهوری آذربایجان شروع به خرید تسلیحات از کشورهای مختلف از جمله از روسیه، ترکیه و رژیم صهیونیستی کرد (Jović-Lazić, 2021: 221-222). ارمنستان در موقعیتی قرار نداشت که با قدرت هزینه‌های نظامی جمهوری آذربایجان برابری کند. با این حال، تسلیحات سنگین اضافی و سیستم‌های موشکی پیشرفته را

از روسیه به دست آورد (Mallick, 2021: 19-20). برای مثال، پیشرفته‌ترین فناوری‌های نظامی مانند موشک‌های اسکندر را از روسیه خریداری کرد. همچنین استحکامات نظامی قوی در قره‌باغ کوهستانی ایجاد کرد (Askerov and Ibadoghlu, 2022: 251). هزینه‌های نظامی جمهوری آذربایجان و ارمنستان در سال‌های منتهی به جنگ دوم قره‌باغ همواره صعودی بوده است؛ اما مقدار این هزینه‌ها برای دو طرف بسیار متفاوت بود (نمودار ۱).

نمودار ۱: هزینه نظامی دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰



Source: Stockholm International Peace Research Institute(SIPRI), (2022, February 24), The SIPRI Military Expenditure Database, <https://www.sipri.org/databases/milex>

کسب منابع و منافع اقتصادی و حفظ امنیت آن از اهداف مهم و حیاتی هر کشوری است. درگیری‌های ۱۲ جولای ۲۰۲۰ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان نه در قره‌باغ، بلکه در منطقه تووژ^۱ رخ داد. تووژ از نظر جغرافیایی در خارج از قره‌باغ واقع شده است و دارای موقعیت نزدیک به مسیرهای خط لوله حمل‌ونقل هیدروکربن‌ها از جمهوری آذربایجان به اروپا است. این درگیری‌ها که از طرف ارمنستان آغاز شد، به‌عنوان یک حمله به امنیت اقتصادی جمهوری آذربایجان تلقی می‌شد (Ergun and Valiyev, 2020: 4). مؤلفه اقتصادی

^۱. Tovuz

در جنگ ۲۰۲۰ نقش حیاتی بخصوص برای جمهوری آذربایجان ایفا کرد. بااین حال معادلات آینده قفقاز جنوبی با درنظرگرفتن اختلافات منطقه‌ای بر سر ایجاد کریدور احتمالی زنگزور و یا حتی منطقه جغرافیایی سیونیک ارمنستان می‌تواند تنش جدی را همچون تحولات تاریخی این منطقه برای منافع سرزمینی - اقتصادی رقم بزند.

اندیشه سیاسی رهبران جمهوری آذربایجان و ارمنستان. جمهوری آذربایجان برای بازگرداندن سرزمین‌های ازدست‌داده خود در ۱۹۹۴، سیاست احیای سرزمینی را در پیش گرفته بود؛ اما در طرف مقابل شرایط متفاوت بود. چرا که ارمنستان با اظهارات خود در سمت سیاست گسترش طلبی، گام برمی‌داشت. موضع غیرسازنده ارمنستان در مورد مناقشه قره‌باغ پس از به‌قدرت‌رسیدن نیکول پاشینیان در سال ۲۰۱۸ تشدید شد. بعد از انقلاب در ارمنستان و روی کار آمدن پاشینیان به‌عنوان نخست‌وزیر، دولت با اظهاراتی اعلام کرد که آرتساخ (قره‌باغ) ارمنستان است (Socer, 2021, May 10). حتی وزیر دفاع ارمنستان، داویت تونیان، طی جلسه‌ای در نیویورک با مهاجران ارمنی از «جنگ جدید برای مناطق جدید» سخن گفت (Asbarez Staff, 2019, april 1). علاوه بر آن‌ها، پاشینیان شرق ترکیه را به‌عنوان «سرزمین تاریخی آرمینا» نامید. همچنین ارمنستان رسماً صدمین سالگرد معاهده منقرض شده سور را جشن گرفت که می‌توانست امپراتوری عثمانی را در پایان جنگ‌های دهه ۱۹۱۰ منحل کند. اظهارات و اقدامات پاشینیان که حاکی از سیاست گسترش طلبی بود خشم دولت جمهوری آذربایجان و ترکیه را برانگیخت (Yavuz and Huseynov, 2020: 106-107).

۳. بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

روسیه، ترکیه و ایران قدیمی‌ترین بازیگران منطقه هستند که در قفقاز حضور و نفوذ داشته و بر آن تأثیرات عمیقی گذاشته‌اند. سایر بازیگران چون ایالات متحده آمریکا، چین، اتحادیه اروپا، رژیم صهیونیستی، پاکستان و عربستان بیشتر بعد از فروپاشی شوروی با جمهوری‌های قفقاز جنوبی کم‌وبیش رابطه برقرار کردند. اما در تشدید شرایط حاکم بر قفقاز جنوبی نقش مهمی داشته‌اند.

روسیه: روسیه قفقاز جنوبی را تحت عنوان «خارج نزدیک» تعریف کرده است. دکترین «خارج نزدیک» به این معناست که جمهوری‌های جدا شده از شوروی سابق در رأس اولویت‌های سیاست خارجی روسیه قرار دارند و بر اساس این دکترین، روسیه دارای منافع

ویژه سیاسی، اقتصادی و امنیتی در این منطقه است که دیگر بازیگران مجبور به پذیرش آن هستند (Bijan, 2020: 472). وجود منابع عظیم انرژی در منطقه قفقاز جنوبی منجر به شکل‌گیری بازی بزرگ، رقابت بین قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه و ایالات متحده آمریکا شده است. اهمیت استراتژیک قفقاز جنوبی برای روسیه باعث شده است که این کشور رویکردی هژمونیک به این منطقه داشته باشد تا بتواند منافع حیاتی، بقا و ادامه حضور خود را در منطقه کنترل کرده و گسترش دهد. اهداف روسیه در جنوب قفقاز را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد: حفظ تعادل استراتژیک در بحران قره‌باغ، جلوگیری از گسترش نفوذ ایالات متحده، ناتو و اسلام سیاسی (Dadparvar, 2021: 338).

جنگ دوم قره‌باغ به روسیه اجازه داد تا خود را به‌عنوان یک طرف ضروری و مسلط در ترتیبات بعد از جنگ تبدیل کند، تا رد پای نظامی خود را در منطقه از طریق استقرار نیروهای حافظ صلح روسی در قره‌باغ کوهستانی گسترش داده، دولت پاشینیان را تضعیف و وابستگی امنیتی ارمنستان به روسیه را افزایش دهد (Schumacher and Günay, 2021: 140).

ترکیه: ترکیه و جمهوری آذربایجان از روابط خود به‌عنوان رابطه‌ای بین «دو دولت، یک ملت» یاد می‌کنند و روابط اقتصادی قوی نیز دارند (Ashur, 2021: 15). در جنگ اول قره‌باغ، ترکیه به دلیل فشارهای عمومی مرز خود با ارمنستان را در واکنش به اشغال قره‌باغ و مناطق مجاور بست. آنکارا همچنین از برقراری روابط دیپلماتیک با ارمنستان خودداری کرد. سیاست خارجی ترکیه در قبال جمهوری آذربایجان بر اساس سه اصل تنظیم شده است؛ اول، حمایت از استقلال سیاسی، نظامی و اقتصادی جمهوری آذربایجان در برابر خواسته‌های روسیه است. دوم، حمایت از تمامیت ارضی و حاکمیت جمهوری آذربایجان بر قره‌باغ است. سوم، مشارکت در تولید نفت جمهوری آذربایجان و انجام تجارت صادراتی از طریق ترکیه است (Yavuz and Gunter, 2022: 285-286). جمهوری آذربایجان ذخایر قابل‌توجهی از نفت و گاز دارد و این امر باکو را از نظر استراتژیک برای ترکیه مهم می‌کند. زیرا به‌عنوان یک نقطه ترانزیت حیاتی برای انتقال منابع انرژی خود و تسهیل حمل‌ونقل نفت از قزاقستان و گاز ترکمنستان به ترکیه و اروپا از طریق خطوط لوله نفت و پروژه‌های تاناب و تاپ، عمل می‌کند (Bayramova, 2023: 6). در نتیجه، مهم‌ترین عامل تغییر وضعیت ترکیه از بی‌تفاوتی جنگ اول قره‌باغ به بازیگر کاملاً حامی جمهوری آذربایجان در جنگ دوم را می‌توان نقش عوامل اقتصادی بین آن دو کشور دانست؛ هرچند عوامل دیگری نیز چون نگاه قومی، جلوگیری از ارمنستانی قدرتمند و مطیع روسیه یا اروپا و در نهایت اینکه

جمهوری آذربایجان به دنبال بازپس‌گیری اراضی خود است و خواستار تجاوز به خاک دیگری نبوده، است (Yavuz and Gunter, 2022: 289).

جمهوری اسلامی ایران: فروپاشی شوروی به ایران فرصت مناسبی داد تا پیوندهای تاریخی خود را با کشورهای قفقاز جنوبی احیا کند. تهران هرچند در جنگ اول قره‌باغ فعال بود؛ اما در جنگ دوم قره‌باغ نظاره‌گر جنگ باقی ماند و فقط مقامات بلندپایه آن خواستار احیای تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان شدند. چارچوب سیاست ایران با هرگونه ترکیب ژئوپلیتیک قومی که جدایی‌طلبی را تأیید می‌کند، مخالف است و به همین دلیل است که ایران هرگز استقلال قره‌باغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی را به‌رغم روابط نزدیک با ارمنستان و همچنین روسیه به رسمیت نشناخت (kaleji, 2020, October 9). ایران علی‌رغم میل باطنی خود نتوانسته است به یک بازیگر تأثیرگذار در جنگ و یا حل مناقشه قره‌باغ تبدیل شود. رویکرد ایران در قبال مسئله قره‌باغ از یک سو تابع مفاهیم گسترده‌تر در سیاست خارجی ایران و از سوی دیگر متأثر از ماهیت روابط ایران با قدرت‌های بزرگ بوده است (Mahammadi and Huseynov, 2022: 382-400). «فشارهای نظام بین‌الملل و نبود چشم‌انداز راهبردی منطقه‌گرایی در سیاست خارجی، ایران را در مناطق پیرامونی خود منزوی کرده است» (گل‌محمدی و عزیزی، ۱۴۰۱: ۳۰۱). با این حال علی‌رغم بدبینی ایران نسبت به اتحاد ترکیه و جمهوری آذربایجان، ایران از دشمنی با هر دو کشور درگیر در منازعه قره‌باغ ۲۰۲۰ خودداری کرده است (Gürçan, 2020: 543).

قدرت‌های فرامنطقه‌ای. قفقاز جنوبی بعد از فروپاشی شوروی و به دنبال اتخاذ سیاست‌های غرب‌گرایی جمهوری‌های آن برای برقراری توازن منطقه‌ای بیشتر نفوذپذیر شد.

ایالات متحده آمریکا: ایالات متحده روابط خودش را بعد از استقلال جمهوری‌های قفقاز جنوبی آغاز کرد. روابط باکو با واشنگتن نسبت به ایروان قوی‌تر بوده است. چرا که چندین شرکت آمریکایی در تأسیسات تولید نفت و گاز در این کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند و ارتش آن کشور از جمهوری آذربایجان به‌عنوان پلی برای عملیات در افغانستان استفاده کرده است. ارمنستان نیز با استفاده از لابی ارمنی خود در ایالات متحده توانست موفقیت‌هایی به دست آورد که مهم‌ترین آن به رسمیت‌شناختن کشتار ارمنه توسط امپراتوری عثمانی از سال ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۳ به‌عنوان نسل‌کشی است. در کل کشورهای قفقاز جنوبی به دنبال تقویت روابط خود با ایالات متحده برای حفظ توازن قوا در منطقه بوده‌اند (Sahakyan, 2023: 4). جنگ دوم قره‌باغ هم‌زمان با رقابت‌های ریاست‌جمهوری در آمریکا و همچنین مبارزه این کشور برای

مقابله با پیامدهای همه‌گیری کووید ۱۹ بود. بنابراین موضع کاخ سفید برای جدایی از درگیری در طول جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ ادامه یافت (Jafarova, 2022: 333) و در این مدت خواستار راه‌هایی برای پایان دادن به خشونت شد (Ashur, 2021: 19).

چین: چین سیاست‌های خود در کشورهای قفقاز جنوبی را بر اساس طرح کمربند و جاده پیش برده است و کشورهای منطقه به این طرح علاقه‌مند هستند. درحالی‌که پکن در ارمنستان سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی نکرده است، چند صد میلیون دلار به جمهوری آذربایجان که عضو بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی به رهبری پکن هست، ریخته است. ذخایر نفت و گاز و موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان در اتصال چین - آسیای مرکزی به اروپا، بیشتر موردتوجه چین است. در آینده نزدیک، حضور اقتصادی روبه‌رشد چین در این منطقه به آن نفوذ سیاسی بیشتری خواهد داد (Sahakyan, 2023: 5). ارمنستان نمی‌تواند به راحتی با اهمیت جمهوری آذربایجان برای اجرای طرح کمربند و جاده در منطقه برابری کند (Gürcan, 2020: 540).

رژیم صهیونیستی: رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۲ روابط خود با ارمنستان و جمهوری آذربایجان را برقرار کرد. روابط رژیم صهیونیستی و ارمنستان به‌خاطر ممانعت مداوم رژیم صهیونیستی از پذیرش رسمی کشتار ارمنه در جنگ اول جهانی توسط عثمانی - ها پیشرفت نکرد. اما جمهوری آذربایجان برای رژیم صهیونیستی جذابیت‌های بسیاری چون ارتباط با جهان اسلام، استفاده از برای مقابله با ایران و صرفه‌های اقتصادی بخصوص روابط سلاح در مقابل انرژی داشته است (Bishku, 2022: 368-372). رابطه بین رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان را در ارتباط با ایران می‌توان به‌عنوان یک «وضعیت برد - برد» یا «دشمن دشمن من دوست من است» توضیح داد (Ashur, 2021: 18). اصلی‌ترین محور روابط این دو کشور در قالب اقتصادی معنی می‌یابد؛ تجارت، انرژی و خرید تسلیحات نظامی از آن موارد است (ابراهیمی و اصولی، ۱۴۰۱: ۴۴).

در چارچوب تقابل ژئوپلیتیکی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی و ایران، رابطه رژیم صهیونیستی با جمهوری آذربایجان عمق استراتژیکی را در اختیار رژیم صهیونیستی قرار می‌دهد. در جناح شمال غربی ایران، از جمهوری آذربایجان، رژیم صهیونیستی در صورت درگیری، فضای عملیات نظامی و حداقل عملیات اطلاعاتی علیه ایران به دست می‌آورد. در جنگ دوم قره‌باغ رژیم صهیونیستی بازیگری محتاط اما فعال در کنار جمهوری آذربایجان بود (Chikhaoui, 2023, May 21).

نتیجه‌گیری

بازیگران قفقاز جنوبی در این منطقه ژئوپلیتیکی حیاتی، همواره در یک وضعیت برد - باخت بوده‌اند. نتایج حاصل از بررسی ژئوپلیتیکی با ابعاد اقتصادی و فرهنگی آن در گذر تحولات تاریخی نشانگر آن است که جنوب قفقاز زیر سلطه حکومت‌های هم‌جوار قدرتمند بوده و حکومت‌های محلی تحت این سلطه نه تنها نتوانسته‌اند متحد شده و حکومتی یکپارچه در این منطقه تشکیل دهند؛ بلکه تبدیل به موزاییکی از حکومت‌ها، قومیت‌ها و مذاهب شدند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این جنگ نه یک جنگ مذهبی بین مسلمانان و مسیحیان بلکه جنگ قومی بین ارامنه و آذری‌ها است. جنگ قومی-سرزمینی که بر سر منطقه قره‌باغ صورت گرفته است نزدیک‌ترین ریشه تاریخی آن به فروپاشی شوروی و شکل یافتن جمهوری‌های جمهوری آذربایجان و ارمنستان برمی‌گردد. درگیری‌های این دو قوم به-خصوص نزاع سرزمینی آن‌ها نشان می‌دهد که پیروزی و دستاورد یکی تماماً بر زیان دیگری انجامیده است. علاوه بر این موارد، جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ نشانه یک تغییر ژئوپلیتیکی در جنوب قفقاز است که از یک طرف یادآور تحدید حدود قفقاز جنوبی بین استالین و ترکیه کمالیست است؛ بنابراین موجب گسترش حضور و نفوذ روسیه و ترکیه در این منطقه شد. از طرفی، این جنگ بار دیگر بعد از جنگ‌های ایران و روس بر منافع ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران تأثیر منفی گذاشته است؛ به حاشیه رانده شدن در تحولات منطقه قفقاز جنوبی، کاهش حضور و نفوذ در این منطقه و همچنین مواجه شدن با چالش‌های -ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچرال علیه منافع ملی و منطقه‌ای ایران از آن جمله است. در کنار این موارد، مؤلفه‌های اقتصادی به‌عنوان زمینه و یا هدف جنگ‌های قفقاز جنوبی نقش مهمی داشته است. در جنگ دوم قره‌باغ نیز درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز و امنیت خطوط انتقال انرژی برای جمهوری آذربایجان در کنار بازپس‌گیری سرزمینی، زمینه جنگ را فراهم آورد. همچنین چشم‌انداز ایفای نقش در کریدورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در این جنگ نقش ثانویه داشته است. در جنگ دوم قره‌باغ، بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست‌رفته، درگیری‌های قومی و زمینه‌ها و اهداف اقتصادی بر اصل تاریخی حاکم بر منطقه، بازی با حاصل جمع جبری صفر، تأکید می‌کند.

تا جایی که نویسندگان پژوهش حاضر اطلاع دارند این اولین بررسی است که وضعیت بازی حاصل جمع جبری صفر در ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی را از گذرگاه تحولات تاریخی و در چهارچوب ژئوپلیتیک تحلیل و توصیف می‌کند. نتایج حاصل، فرضیه پژوهش را اثبات می‌-

کند که وضعیت بازی با مجموع صفر، اصل حاکم در منطقه ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی بوده و به میراثی ماندگار در این منطقه تبدیل شده است. به‌طوری‌که آثار آن در آخرین فعل‌وانفعالات منطقه، جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، به‌وضوح قابل‌مشاهده است.

منابع و مآخذ

فارسی

ابراهیمی، مرتضی و اصولی، قاسم (۱۴۰۱)، گونه‌شناسی روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان: روابط راهبردی یا تاکتیکی. **مطالعات اوراسیای مرکزی**، ۱۵(۲)، ۴۸-۲۳. (doi:10.22059/JCEP.2023.347626.450096)

آزاد، حمید (۱۳۹۲)، جغرافیای تاریخی منطقه قفقاز، **تاریخنامه خوارزمی**، ۲(۱)، ۷۲-۴۱. اصولی، قاسم و نواختی مقدم، امین (۱۴۰۰)، فرصت‌ها و چالش‌های همکاری ژئوآکونومیک ایران و ترکمنستان، **پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل**، ۹(۲)، ۳۶۴-۳۳۴. (doi: 10.22067/irlip.2021.21346.0)

آقازاده، جعفر (۱۳۹۷)، تحلیلی بر نقش سرگور اوزلی در پایان دوره‌ی اول جنگ‌های ایران و روسیه، **مطالعات تاریخی جنگ**، ۲(۲) (پیاپی ۴)، ۲۸-۱.

آقامحمدی، ابراهیم و باقری دولت آبادی، علیر آبیاری، سجاد (۱۴۰۰)، نظام موازنه قوا در اروپا و تاثیر آن بر جنگ‌های ایران-روسیه، **مطالعات تاریخی جنگ**، ۵(۲)، ۲۷-۱. doi: 10.52547/HSOW.5.2.1

آهنگران، امیر (۱۳۸۹)، خان‌های سلسله زند و مساله قفقاز جنوبی، **گنجینه اسناد**، ۲۰(۲) (پیاپی ۷۸)، ۴۷-۳۲.

اورسل، ارنست (۱۳۷۶)، **سفرنامه قفقاز و ایران**، ترجمه: علی اصغر سعیدی، نشر: تهران. پناهی، عباس و کریمی، مجید (۱۴۰۱)، تأثیر جنگ جهانی اول بر تحولات سیاسی نخجوان از قرارداد باتوم تا قرارداد قارص (۱۹۱۸-۱۹۲۱)، **مطالعات تاریخی جنگ**، ۵(۴)، ۷۴-۵۱. doi: 10.29252/HSOW.5.4.51

ثواقب، جهانبخش و لعبت فرد، احمد (۱۳۹۶)، واکاوی رویارویی‌های مذهبی صفوی و عثمانی در قفقاز (۹۳۰ تا ۱۰۳۸ ق/۱۵۲۳ تا ۱۶۲۹ م)، **پژوهش‌های تاریخی**، ۹(۴)، ۲۷۴-۲۵۳. doi: 10.22108/jhr.2017.76438

ثواقب، جهانبخش و لعبت فرد، احمد و حسینی، میرصادق (۱۳۹۸)، سیاست نظامی نادرشاه افشار در قفقاز، **فصلنامه تاریخ روابط خارجی**، ۲۰(۸۰)، ۹۷-۱۲۲.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶)، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، مشهد: انتشارات پاپلی. رئیسی‌نژاد، آرش، (۱۴۰۰)، **ایران و راه ابریشم نوین**، انتشارات: دانشگاه تهران.

- سنگاری، اسماعیل و اسدی، احمد (۱۴۰۱)، تبیین و تحلیل تأثیر موقعیت جغرافیایی بر روابط خارجی و فعالیت‌های تجاری ساسانیان، **فصلنامه تاریخ روابط خارجی**، ۲۴(۹۳)، ۳-۲۶.
- صدری، منیژه و صمدی وند، منوچهر (۱۳۹۹)، جمهوری آذربایجان در زمان حکومت آشور، اورارتو و ماننا، **باستان‌شناسی ایران**، ۱۰(۱)، ۱-۱۲. (doi: AOI-2104-1098)
- صدقی، ناصر (۱۳۹۱)، سیاست‌های سلجوقیان در تصرف سرزمین‌های رومی قفقاز و آناتولی، **فصلنامه تاریخ نامه ایران بعد از اسلام**، ۳(۴)، ۷۹-۱۱۰.
- طالعی قره قشلاق، عزیز و امامی‌خویی، محمدتقی (۱۳۹۱)، نقش جمهوری آذربایجان در فتح آناتولی توسط سلجوقیان (با تأکید بر فعالیت‌های ترکمنان غازی). **مجله علمی و پژوهشی تاریخ ایران**، ۵(۲)، ۱۳۷-۱۶۲.
- علیزاده، محمدعلی و عباسی عزیزلو، جمیله و طرفداری، علیمحمد (۱۴۰۰)، بازتاب جنگ‌های ایران و روسیه در منطقه با توجه به نقش ارامنه، **ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، ۴(۴)، ۵۳۸-۵۵۴. (doi: 10.30510/psi.2022.268633.1456)
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۶)، **اصول روابط بین‌الملل**، تهران: نشر میزان، چاپ ۶ (ویرایش ۲)، ۶۶۴ ص.
- قاضیها، فاطمه (۱۴۰۱)، مذاکرات عهدنامه ترکمانچای بین ایران و روسیه و پرداخت غرامات جنگ در طول سلطنت سه پادشاه، **فصلنامه تاریخ روابط خارجی**، ۲۴(۹۳)، ۱۰۱-۱۲۲.
- کلان‌فریابی، محمد رضا و امیر احمدیان، بهرام (۱۳۹۸)، تاریخ گسترش اسلام در قفقاز جنوبی، **فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام**، ۲۰ (شماره ۳ - پاییز ۹۸ _ مسلسل ۷۹)، ۲۱۹-۲۴۶. (doi: 10.22081/hq.2020.68473)
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۳)، **تحولات سیاسی جمهوری ارمنستان (۱۹۸۸-۲۰۱۳ میلادی)**، چاپ: آشیان.
- کولایی، الهه (۱۳۸۹)، **جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک**، ۶(۱۷)، ۷۵-۱۱۱.
- گل محمدی، ولی و عزیزی، حمیدرضا (۱۴۰۱)، جایگاه قفقاز جنوبی در منطقه‌گرایی سیاست خارجی ایران، **مطالعات اوراسیایی مرکزی**، ۱۵(۱)، ۲۸۱-۳۰۵. (doi: 10.22059/jcep.2022.345811.450084)
- مختاری هشی، حسین (۱۳۹۷)، تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیک) و توصیه‌هایی برای ایران، **فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک**، ۱۴(۵۰)، ۵۶-۸۲.
- مرشدلو، جواد (۱۳۹۴)، زمینه تاریخی و منطق راهبردی توسعه طلبی روسیه تزاری در قفقاز (سالهای ۱۸۰۰-۱۸۵۵م)، **فصلنامه تاریخ روابط خارجی**، ۱۶(۶۴)، ۴۵-۷۱.
- ملکی، محمد و حسین طلایی، پرویز و سلیمان زاده، علیرضا (۱۴۰۰)، بررسی روابط ایران و روم در سده یکم پیش از میلاد (با تأکید بر جنگ‌های مهرداد)، **مطالعات تاریخی جنگ**، ۵(۱)، ۱۱۹-۱۴۱. (doi: 10.52547/HSOW.5.1.119)

منتظرالقائم، اصغر و شاهمرادی، سید مسعود (۱۳۹۲)، تشیع قزاقویونلوه‌ها (۷۸۰-۸۷۲ هـ.ق)، پژوهش‌های تاریخی، ۵(۱)، ۴۹-۷۲.

وزینی افضل، مهدی و موسوی، سید احمد (۱۴۰۱)، طرح اتحاد اسلامی — نظامی ایران و عثمانی علیه روسیه در طول جنگ‌های قفقاز، مطالعات تاریخی جنگ، ۶(۳)، ۸۲-۹۸.

یگانه، علی و کامرانی فر، احمد و قلیزاده، محمدرضا (۱۴۰۰)، گستره ی ژئوپولیتیکی رقابت های ایران ساسانی با روم شرقی و تاثیر آن بر مرزها و مسیرهای تجاری، نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۱۵(۲۸)، ۳۶۴-۳۸۳. (doi:10.22111/jhr.2021.35163.2871).

لاتین

- Asadov, M. (2023). The" New Great Game" Conflict and Cooperation Area South Caucasus: From Competition to Cooperation between Turkey and Russia. **Ordu Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Sosyal Bilimler Araştırmaları Dergisi**. 13(2), 1955-1974, (doi:10.48146/odusobiad.1203863)
- Asbarez Staff, (2019, april 1), "New Territories in the Event of New War,' Says Defense Minister", Asbarez, <http://asbarez.com/178701/new-territories-in-the-event-of-new-war-says-defense-minister/>
- Ashur, S (2021). **Nagorno-Karabakh Conflict: A Geopolitical Analysis** (Doctoral dissertation, Universidad Carlos III de Madrid).
- Bayramova, L. (2023). Economic integration of South Caucasus countries: Current potential and main directions. In **E3S Web of Conferences** (Vol. 413, p. 05018). EDP Sciences. (doi: 10.1051/e3sconf/202341305018)
- Bijan, A. (2020). Russia's Strategy Toward Nagorno-Karabakh and Georgia (2008-2020). **Iranian Review of Foreign Affairs**, 11(32), 467-491.
- Bishku, M. B. (2022). Israel's Foreign Policy toward the Karabakh Conflict¹. In **The Nagorno-Karabakh Conflict** (pp. 366-380). Routledge.
- Blackwill, R. D., & Harris, J. M. (2016). **War by other means: Geoeconomics and statecraft**. Harvard University Press.
- Boucher, D. (1998). **Political theories of international relations: from Thucydides to the present**. Oxford University Press.
- Chahin, M. (2001). **The Kingdom of Armenia: New Edition (1st ed.)**. Routledge. (doi:10.4324/9781315028804)
- Cheterian, V. (2018). The uses and abuses of history: Genocide and the making of the Karabakh conflict. **Europe-Asia Studies**, 70(6), 884-903. (doi: 10.1080/09668136.2018.1489634)
- Chikhaoui, Arslan (2023, May 21), THE STAKES OF THE NAGORNO KARABAKH CONFLICT AND THE STRATEGIC ALLIANCES MAPPING, *The Stakes of the Nagorno-Karabakh Conflict and the Strategic Alliances Mapping |Near East South Asia Center (nesacenter.org)*
- Chinoy, S., Nunn, N., Sequeira, S., & Stantcheva, S. (2023). Zero-sum thinking and the roots of US political divides. **Preprint at <https://scholar.harvard.edu>**
- Cornell, S. (1999). The Nagorno-Karabakh Conflict. Uppsala: Uppsala Universitet.
- Dadparvar, S. (2021). Russia's Foreign Policy Toward the 2020 Nagorno Karabakh Crisis. **2021 International Conference on Education, Humanities, Management and Information Technology (EHMIT 2021)**. (doi: 10.25236/ehmit.2021.058)

- Dıyabakırlioğlu, K. (2020). The Nagorno-Karabakh conflict between Azerbaijan and Armenia from the historical perspective. **International Journal of Social, Political and Economic Research**, 7(2), 415-439. (doi: 10.46291/IJOSPERvol7iss2pp415-439)
- Ergun, A., & Valiyev, A. (2020). An Account on Karabakh War: Why Now and Then What? **Panorama, E-publication**, 9. (doi: 10.13140/RG.2.2.30777.60006)
- Farid Shafiyev (2019) The Forced Resettlement of Azerbaijanis from Armenia, 1948–1953, **Journal of Muslim Minority Affairs**, 39:2, 177-198. (DOI: 10.1080/13602004.2019.1620002)
- Foster, J. B. (2006). The new geopolitics of empire. **Monthly Review**, 57(8), 1.
- Gürçan, E. C. (2020). The Changing Geopolitical Economy of Transcaucasia under Multipolarity. **World Review of Political Economy**, 11(4), 533–550. (doi: 10.13169/worlrevipoliecon.11.4.0533)
- Jafarova, E. (2022). The Role of the United States in the Armenia–Azerbaijan Conflict. In **The Nagorno-Karabakh Conflict** (pp. 321-340). Routledge.
- Jović-Lazić, Ana (2021) **The Second Armed Conflict in Nagorno Karabakh Causes and Implications**. In: Convergence and Confrontation: The Balkans and the Middle East in the 21st Century. Institute of International Politics and Economics, Belgrade, pp.
- Kaleji, Vali, (2020, October 9). Eight Principles of Iran's Foreign Policy towards the Nagorno-Karabakh Conflict. Valdai Discussion Club. Eight Principles of Iran's Foreign Policy Towards the Nagorno-Karabakh Conflict Valdai Club
- Khan, A. (2020). Revisiting the Conflict between Azerbaijan and Armenia. **The Indian Journal of Politics**, 54(1-2), 1-20.
- Koolae, E., & Khansari Fard, F. (2020). The impact of historical narratives on ethnic conflicts in Nagorno-Karabakh, Abkhazia and South Ossetia. **Int'l Stud. J.**, 17, 137.
- Mahammadi, M., & Huseynov, V. (2022). 17 Iran's Policies Toward the Karabakh Conflict. **The Nagorno-Karabakh Conflict: Historical and Political Perspectives**, 381. (doi: 10.4324/9781003261209-22)
- Najafizadeh, Mehrangiz (2013) "Ethnic Conflict and Forced Displacement: Narratives of Azeri IDP and Refugee Women from the Nagorno Karabakh War," **Journal of International Women's Studies**: Vol. 14: Iss. 1, Article 10. Available at: <https://vc.bridgew.edu/jiws/vol14/iss1/10>
- Okhrimenko A. (2021). The "image of the enemy" in the minds of Azerbaijanis and Armenians as the psychological basis of the military-political conflict in Nagorno-Karabakh. **Nauka.me** (4), pp.7-21. (doi: 10.18254/S241328880015251-0)
- Sahakyan, M. (2023). The South Caucasus at the Crossroads: Great Powers and Regional Conflict. **AsiaGlobal Online**. (doi: 10.2139/ssrn.4338994)
- Schumacher, T., & Günay, C. (2021). Territorial Conflict, Domestic Crisis, and the Covid-19 Pandemic in the South Caucasus. Explaining Variegated EU Responses. **Journal of common market studies**, 59(Suppl 1), 137. (doi: 10.1111%2Fjcms.13255)
- Shokoohi, S., & hajiabadi, M. (2019). Failure of Geopolitical and Geo-Cultural Commonalities to Integrate Iran and Central Asian Countries. **Geopolitics Quarterly**, 14(52), 149-164.
- Thompson, K. W. (1985). **Moralism and Morality in Politics and Diplomacy** (Vol. 1). University Press of America. Socor,
- Vladimir, (2021, May 10). **Armenia's 44-Day War: A Self-Inflicted Trauma (Part One)**, the Jamestown, <https://jamestown.org/program/armenias>
- Yavuz, M. H., & Gunter, M. (Eds.). (2022). **The Nagorno-Karabakh Conflict: Historical and Political Perspectives**. Routledge.

- Yavuz, M. H., & Gunter, M. M. (2022). **The Karabakh Conflict Between Armenia and Azerbaijan: Causes & Consequences**. Springer Nature.
- Yavuz, M. H., & Huseynov, V. (2020). The Second Karabakh War: Russia vs. Turkey? **Middle East Policy**, 27(4), 103-118. (doi: doi.org/10.1111/mepo.12529)
- Yemelianova, G. M. (2023). The De Facto State of Nagorno-Karabakh: Historical and Geopolitical Perspectives. **Europe-Asia Studies**, 1-24. (doi: 10.1080/09668136.2023.2214708)